



کلام معاصر، کاستی‌ها و بایسته‌ها

(موانع و عوامل رشد و ارتقا)

محمدصفر جبرئیلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

چکیده

دانش کلام با سه وظیفه و رسالت مهم تبیین مفاهیم و گزاره‌های اعتقادی، پاسخ به شبهات و تأمین پیش‌نیاز دانش‌های دینی در طول تاریخ در پی تلاش متکلمان به تحقق پیوسته و در آثار کلامی متعدّد و متنوعی عرضه شده و مانند دیگر دانش‌ها، گاه موانعی به شکل بالفعل یا بالقوه آن را تهدید کرده و یا عواملی زمینه‌رشد و ارتقای آن را فراهم آورده است. بدیهی است شناخت کاستی نشان از حیات مستمر و پایایی و تشخیص آسیب‌ها، مقدمه احیا، تکامل و پیشرفت است. با تشخیص کاستی‌ها می‌توان به تناسب، راهکارهای بایسته‌ای ارائه داد و با به‌کارگیری آن‌ها مسیر تکامل، رشد و ارتقای دانش را هموار کرد. آسیب‌ها و بایسته‌های دانش کلام را می‌توان در چند زاویه دانشی، روشی، متون و شرایط اجتماعی تحلیل و بررسی کرد. این نوشتار، با کاوش در کلام معاصر شیعه امامی، برخی آسیب‌ها و موانع را شناسایی کرده و به تناسب به ارائه برخی راهکارهای بایسته پرداخته است.

واژگان کلیدی

کلام معاصر، کاستی‌ها و موانع، بایسته‌ها و عوامل، رشد و ارتقا.

مقدمه

در بین بخش‌های اصلی دین یعنی اصول بینشی (جهان‌بینی)، مقررات کلی و جزئی در احکام و اخلاق (ایدئولوژی)، بخش اول، معرف دین و بخش دوم، نشانگر التزام و پایبندی به آن است. بنا به قراین و شواهد مختلف تفقه در دین، در قرآن کریم^۱ و روایات پیامبر اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام، فهم معارف اصلی دین است، نه آموزه‌های فرعی آن. مرد عرب بعد از تعلیم سوره «زلزال» از جا برخاست و گفت: «همین مرا کافی است». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «او را به حال خود واگذارید که مرد فقیهی شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۲۷: ۲۵۴-۲۵۵) توصیه مؤکد امام صادق علیه‌السلام در فهم دین برای دستیابی به رضایت خدا و تزکیه اعمال (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۳۱)^۲، نشان از جامعیت دین به‌ویژه در بُعد معرفتی آن است. تمجید و تحسین آن حضرت از اشعار شاعر اهل بیت علیهم‌السلام سفیان بن مصعب عبیدی و توصیه به شیعیان برای آموزش آن‌ها به فرزندانشان (طوسی، ۱۴۲۴ق: ۴۰۱) بدان جهت است که اشعار او در راستای تحکیم و تقویت دین و آموزه‌های معرفتی است. هدف امام در ترغیب و جلب توجه مبلغ دین به جوان‌ترها و افراد کم سن و سال (کلینی، ۱۳۶۳، ۸: ۹۳)، ارائه مباحث معرفتی است. با توجه به موضوع دانش کلام یعنی عقاید ایمانی با محوریت توحید ذات و صفات باری تعالی و اهداف آن یعنی دین‌شناسی تحقیقی، اثبات و تبیین آموزه‌های عقیدتی، حفاظت، نگهبانی و دفاع از مرزهای عقیدتی، بیانگر نقش و جایگاه بلند دانش کلام در میان دانش‌های دینی است. دانش کلام، جزو رشته‌های اصلی و پایه‌ای حوزه علمیه است و باید مورد اهتمام کامل و در متن اصلی حوزه علمیه باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۴۶-۵۴۷). این دانش با وجود فراز و فرودها و گذران سیر تطوّر در طی مراحل و ادوار مختلف و متنوّع، در قرن اخیر وارد دوره اصلاح و پویایی شده است. فضای فکری و فرهنگی پیش‌آمده در آغاز قرن چهاردهم شمسی و مبارزات فکری و فرهنگی اندیشمندان و در پی آن، پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، زمینه‌های رشد و بالندگی بیش از پیش آن را فراهم آورد؛ اما در همین مقطع تاریخی مانند برخی دیگر از مقاطع با کاستی‌هایی مواجه شده و از رشد و ارتقای لازم بازمانده است و برای

۱. توبه/ ۱۲۲ «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ».

۲. عَلَيْكُمْ بِالتَّقْوَى فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَن لَّمْ يَتَّقِهُ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يَرْكُ لَهُ عَمَلًا.

رفع آن‌ها و رسیدن به کلام مطلوب باید به انجام اقدامات بایسته‌ای همّت گماشت. آسیب‌ها و بایسته‌های دانش کلام شیعی در دوران معاصر را می‌توان در چهار حوزه توصیف و تحلیل کرد.

۱. حوزه دانش

۱-۱. آسیب‌ها

۱-۱-۱. تأثیرپذیری از فلسفه

ضرورت استفاده از قواعد و مبانی فلسفه در تبیین و تشریح مسائل عقیدتی و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌ها مورد پذیرش است (رک: سبحانی، ۱۳۹۴، ۱۴: ۴۶۴-۴۶۷). از طرف دیگر، تأثیرپذیری کلام اسلامی از فلسفه، موجب پررنگ شدن مباحث فلسفی در علم کلام شده است؛ به‌گونه‌ای که فلسفه نسبت به کلام، تقدّم و پیشی یافته و اصالت را از آن خود کرده است. امروزه در مواردی کتاب‌های رایج در علم کلام و عقاید نیز یا فلسفی شده و یا درست و نادرست در نگاه مخالفان، فلسفی‌نما تلقی می‌شود و همین امر، موضع منفی صریح و تند برخی عالمان متعهد و دغدغه‌مند ضد فلسفه را در پی داشته است. آنان علاوه بر نقد و ردّ رویکرد و روش متکلمان (رک: مجلسی، ۱۳۹۳: ۱۰۱۰؛ سیدان، ۱۳۹۲، ۱: ۴۵)، متون کلامی رایج، مراکز و مؤسسات علمی و شخصیت‌های مطرح در حوزه کلام اسلامی را نیز نقد می‌کنند.^۱ این امر در تأثیرپذیری طلاب و فضیای جوان، استادان سطوح عالی و شخصیت‌های شاخص فضای فقه و اصول‌محور مدرسه قم و نجف و به حاشیه رفتن دروس کلام در سطوح مختلف حوزه علمیه بی‌تأثیر نیست.^۲

۱-۱-۲. محوریت فقه و اصول

کلام، «فقه اکبر» است (تفتازانی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۶۴-۱۶۵)^۳ و جایگاه رفیعی در تفکر اسلام

۱. نمونه آن را می‌توان در موضع صریح فقیه عالی مقام آیه‌الله صافی گلپایگانی نسبت به موارد ذکر شده دید.

۲. نگاهی به فهرست رسمی دروس کلام و عقاید حوزه قم و استقبال استادان و طلاب از تدریس و تحصیل در فقه و اصول و حتی فلسفه، نشان از این دارد که خواسته و ناخواسته دروس و مباحث کلام و عقاید مورد بی‌مهری و کم‌توجهی است.

۳. الاحکام المنسوبة الی الشرع منها ما يتعلق بالعمل و تسمى فرعية و عملیة و منها ما يتعلق بالاعتقاد و تسمى اصلية و اعتقادية... وخصوا الاعتقادات باسم الفقه الاکبر.

و شیعه دارد و تا قرن هفتم واژه «علم الاصول» برای کلام یا اصول الدین به کار می‌رفته است؛^۱ اما به مرور و بعد از عصر صفوی (۹۰۵-۱۱۳۵ق) و قاجار (۱۲۰۰-۱۳۴۴ق) و حتی بعد از انقلاب اسلامی، با وجود تلاش‌ها و البته نیازها و ضرورت‌ها، همچنان محوریت مباحث در علوم دینی با فقه و اصول است. تکثر درس‌های سطح و خارج فقه و اصول، جایگاه و رفعت مقام مدرس فقه و اصول و نقش کلیدی آن در برنامه‌های درسی، امتحانی و آموزشی حوزه، موجب بی‌رونی و کم‌توجهی به دروس علوم عقلی و به‌ویژه کلام و اعتقادات شده است (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۶۰)، البته جلب توجه بیشتر به دانش کلام و عقائد به معنای بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به فقه و اصول فقه نیست. نگارنده به نقش هردوی آن‌ها به ویژه برخی از مباحث اصول فقه در توانمندسازی متکلم برای اجتهاد در مباحث و مسائل کلامی ایمان و اذعان دارد.

۲-۱. بایسته‌ها

۱-۲-۱. گسترش دروس کلام و عقاید

بدیهی است اولین و مهم‌ترین راه برای گسترش علم کلام، ایجاد تحوّل در آن است؛ هر چند لایه‌هایی از آن مانند تحوّل در مدیریت، تدوین متون و تربیت نیروهای متخصص تحقق یافته است، اما مهم‌ترین راه آن گسترش کیفی و کمی این علم در مراکز علمی و تخصصی حوزه و دانشگاه و تدریس، تألیف و تدوین آثار مناسب و روزآمد در سطوح مختلف توسط استادان فرهیخته است.

اگر استادان دانشگاه از علم و معرفت برخوردار باشند، می‌توانند با نفوذ علمی، دانشجو را به خود معتقد کنند، به او اطمینان دهند که استاد عالم است و سخنش عالمانه و حکیمانه است و این موجب رشد و تحوّل مباحث اعتقادی در جامعه و پاسخ‌گویی به شبهات مطرح و ضعف و زوال عقاید و آموزه‌های انحرافی خواهد شد (ر.ک: همان: ۱۳۶، ۱۴۱).

۱. چنانکه شیخ طوسی (۴۶۰ ق) بحث اعجاز قرآن را متعلق به دانشی غیر از تفسیر می‌داند... لانه يتعلق بالكلام فی الاصول وقد ذكره علماء اهل التوحید (طوسی، بی‌تا، ۱: ۳) ابوالفتوح رازی (قرن ششم) از جمله علوم لازم برای مفسر را «علم اصول» دانسته است؛ سپس از فقه و اصول فقه نام می‌برد (روض الجنان، ۱: ۲). به نظر می‌رسد اصطلاح علم «الاصول» در مدرسه حله بر اصول فقه رواج یافت، تألیف دو کتاب «معارج الاصول»، محقق حلی (۷۶۶ق) و «مبایذ الاصول» علامه حلی (۷۲۶ق) بیانگر این نکته است. محقق در آغاز کتاب می‌نویسد: فانه تکرر من جماعة من الاصحاب... التماس مختصر فی الاصول... (معارج الاصول، آل‌البیت: ۴۳).

در حوزه علمیه باید دروس کلام مانند سایر علوم^۱ و هم‌پای علم فقه در شمار علوم اصلی و مباحث کلیدی و اساسی حوزه قرار گرفته (همان: ۵۴۸-۵۶۲) و در سطوح مختلف مقدمات، سطح و خارج تدریس شود و مدرّسان و استادان آن نیز حداقل مانند مدرّسان فقه و اصول تشویق و ترغیب شوند. متون کلامی به‌ویژه با محوریت قرآنی و حدیثی مورد توجه خاص قرار گیرند. مراجع عظام نیز خود و دفاترشان علاوه بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و امور حسبیه، با استفاده از افراد متخصص، پاسخ‌گوی پرسش‌های کلامی و عقیدتی مراجعان و مقلدان باشند، عالمان و متکلمان در سطوح مختلف با توجه به نیاز مخاطبان و شبهات رایج اقدام به تألیف و تدوین آثار و تدریس مباحث کلامی کنند.

نمونه‌ی توجّه به این ضرورت‌ها را می‌توان در استفتائات کلامی شیعیان از شیخ مفید (۴۱۳ق)^۲ و سیدمرتضی (۴۳۶ق)^۳ و پاسخ‌های آنان دید و یا آن را در تألیفات ریز و درشت کلامی چون سرمایه ایمان، گوهر مراد و شوارق الالهام از محقق لاهیجی (۱۰۷۲ق) و آثار متنوع علامه مجلسی (۱۱۱۰ق) سراغ گرفت. در بین معاصران می‌توان از تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی و سخنرانی‌های عمومی و خصوصی عالمان مدرسه تهران چون آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، میرزا احمد آشتیانی، محمدحسین فاضل تونی، مهدی الهی قمشه‌ای، سیدرضی شیرازی، استاد شهید مطهری،^۴ استاد جعفر سبحانی و استاد سیدعلی خامنه‌ای^۵ (در مشهد) نام برد.^۶

اما امروزه متأسفانه کم‌توجهی و حتی فراموش شدن مباحث کلام و عقاید در بین حوزه و

۱. برای آگاهی از اهمیت ویژه و تأکید بسیار مراجع عظام بر گسترش درس علم کلام در حوزه‌های علمیه ر.ک: افق حوزه، خرداد ۱۳۹۴، ش ۴۱۸؛ دیدگاه حضرات آیات سیستانی (ص ۴)، جوادی و سبحانی (ص ۱۰).
۲. پرسش‌های از شهرهای ساری، صاغان، عکبری و... که نتیجه آن تألیف المسائل السرویه، الصاغانیه، العکبریة و... است.
۳. پرسش‌های از شهرهای طرابلس در سه مرحله که نتیجه آن المسائل الطرابلسیه الاولى، الثانية و الثالثة است.
۴. سخنرانی‌های علمی استاد در حسینیه ارشاد، مسجد الجواد (میدان هفت تیر)، مراکز دانشگاهی و مجالس متنوع و مختلف.
۵. مباحث جلسات سخنرانی معظم له در ماه رمضان ۱۳۵۳ شمسی در مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام) مشهد با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» توسط مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی (صهبا) منتشر شده است.
۶. اقامه نماز جماعت توسط آقایان مدرسه تهران و خراسان در مساجد و حشر و نشر آنان با طبقات مختلف از عوامل این تلاش اجتماعی است. این امر در مدرسه قم به ندرت به چشم می‌خورد.

حوزویان عیب بزرگ و امر فاجعه‌باری است (همان: ۵۶۰) که نتیجه آن ازدست‌رفتن مرجعیت فکری علما و روحانیون در میان اقشار مختلف و حتی قشر مذهبی است.

۲-۱-۲. تخصصی کردن علم کلام با گرایش‌های خاص

امروزه رشد و گسترش سریع علوم و دانش‌های بشری موجب تخصصی شدن و بلکه به طور جزئی‌تر «گرایشی» شدن آن‌ها شده است. هر متخصصی در رشته علمی خود در گرایش خاصی از آن علم متمرکز شده و تخصص پیدا می‌کند. این امر همیشه در حوزه‌های علمیه به طور فردی مورد توجه بوده است؛ اما ضرورت مهارت و تخصص در گرایش‌های خاص موجب شده است تا در دهه‌های اخیر، رشته‌های تخصصی با گرایش‌های متنوعی رسمیت بیابد.^۱ رشته تخصصی کلام اسلامی با سه گرایش «امامت و مهدویت»، «کلام مقارن» و «شناخت و هابیت» فعالیت می‌کند. مراکز تخصصی، کلام اهل بیت (علیهم‌السلام)، امامت‌پژوهی، شیعه‌شناسی، مذاهب اسلامی نیز از دیگر مراکز فعال حوزه قم است. فضلا و اساتید متخصص در عرصه کلام هر یک در گرایش خاصی به تحقیق و مطالعه می‌پردازند، اما این مهم بایستی بر اساس نیازها و ضرورت‌ها رشد بیشتر و سریع‌تری را پشت سر بگذارد.

به نظر می‌توان محتوای علم کلام را به جهاتی تقسیم‌بندی و دسته‌بندی کرد و بعد از طی فرآیند عمومی به معنای مطالعه و استنباط یک دوره کامل معارف اعتقادی، در مراحل بالاتر با محوریت گرایش و روش، یا مباحث و مسائل و یا تطبیق با مذاهب رقیب به تربیت و آموزش نیروی انسانی در دو مرحله تخصصی و فوق تخصصی پرداخت.

۳-۲-۱. اصطیاد قواعد کلامی

امروزه با توجه به ایجاد رشته‌های جدید در علوم انسانی - دینی مانند معرفت‌شناسی، منطق فهم دین، فلسفه‌های مضاف و تفکیک مباحثی از دانش فقه، اصول و کلام به عنوان «قواعد»^۲

۱. هم‌اکنون بیش از ۴۴ مرکز و مؤسسه آموزش تخصصی در کل کشور - ۲۱ مرکز در قم و بقیه در مراکز دیگر استان‌ها؛ هفت مرکز سطح دو، ۳۰ مرکز سطح سه و بقیه در سطح چهار فعالیت می‌کنند. نه مرکز تخصصی فقهی نیز در قم فعالیت رسمی دارند (ر.ک: افق حوزه، ۱۳۹۵: ۷ و ۱).

۲. اصول وقواعد هر دانشی در رتبه بعد از آن دانش قرار دارد، قواعد هر دانشی با واکاوی در مسائل آن دانش و حذف مباحث اطراف آن و جمع‌بندی به دست می‌آید. با توجه به این‌که منبع دانش‌های چون کلام و فقه، قرآن و سنت است، این قواعد را باید با واکاوی نصوص دینی کشف و استخراج کرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۷).

طرح و بررسی و تنظیم و تدوین آن قواعد در دانش کلام بر اساس منابع کلامی و البته نصوص قرآن و روایات امری لازم و ضروری است (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۷-۸)؛ هر چند بخش قابل توجهی از قواعد کلامی از گذشته‌ها ذیل مباحث مختلف کلامی به‌ویژه مباحث توحید و عدل مطرح می‌شده است،^۱ اما مقصود این نوشتار تنظیم و تدوین جدید و جامع با لحاظ آثار و منابع کلامی و با الهام از قرآن و سنت است.^۲ امتیاز این کار، تفکیک مباحث، سهولت در آموزش و استناد و ارجاع مباحث و مسائل کلامی به قواعد آن است.

۴-۲-۱. تحلیل و بررسی تطور مباحث کلامی

نظام، قواعد و مباحث علم کلام درگذر روزگار شکل گرفته و پدید آمده است. هر نسلی به نسل پیشین موضوعی یا انگاره‌ای کلامی یا ساختاری نظام‌مند می‌افزاید و به تعمیق و تطبیق بیشتری نائل می‌آید. این واقعیت را می‌توان با تتبع تاریخی در کتاب‌های عقاید و کلام به دست آورد و از ظهور و بروز مباحث و موضوعات کلامی و سیر تاریخی آنان آگاهی یافت. به‌طور قطع، نگاه به مباحث کلامی بدون لحاظ تاریخی آن و نیز نگاه تاریخی به مباحث کلامی بدون توجه به سیر تطوّر آن‌ها افزون بر این که ممکن است آموزه‌ها و عقاید کلامی را با مشکل روبه‌رو کند، موجب محرومیت از شناخت صحیح آموزه‌های کلامی می‌شود (رک: مطهری، ۱۳۶۷: ۵۲۲-۵۲۹، مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸۲؛ علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۵، ۲: ۵۷۹-۵۸۲).

از جمله نوآوری‌های آیت‌الله بروجردی (۱۳۸۰ق) به‌کارگیری و پابندی به این روش در فقه است. ایشان علاوه بر تطبیق و مقارنه بین فقه شیعی و سنی، به سیر تاریخی بحث و آرا و اقوال مربوط نیز می‌پرداخته‌اند (مددی، ۱۳۹۳، ۱: ۱۸۴-۱۸۵؛ مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۳). اما این مهم در کلام و عقاید ضرورت بیشتری دارد؛ چراکه ممکن است برخی آموزه‌های کلامی مانند علم، معجزه، عصمت و... برای پیامبر و امام بدون لحاظ تاریخی با چالش جدی مواجه شوند. توجه به این مهم موجب می‌شود تا علاوه بر احیا، اصلاح و آرایش و پیرایش علم کلام و عقاید و بیان نقش شخصیت‌های تأثیرگذار، عوامل مختلف مثبت و منفی تأثیرگذار در اندیشه‌های صاحبان این علم نشان داده شده و تاریخ تحوّل آن نیز به‌گونه‌ای دقیق‌تر مشخص

۱. به‌عنوان نمونه رک: شیخ طوسی، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد: ۷۴-۱۴۱.

۲. برای آشنایی با برخی اقدامات انجام گرفته رک: علی ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸ق؛ برنجکار و نصرتیان اهور، ۱۳۹۸.

شود و مبنای نادرست برخی منتقدان (رک: مجتهد شبستری، ۱۳۸۷/۱۲/۴) در اکتفا به دلایل تاریخی در اثبات مباحث کلامی نیز نقد و پاسخ داده شود. کاری که محققان اروپایی بیشتر از علمای مشرق‌زمین به آن پرداخته‌اند (رک: مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸۲). نمونه‌های آن در آثار فان‌اس (کلام و جامعه) و مدرسی طباطبایی (مکتب در فرآیند تکامل) قابل مشاهده است. خوشبختانه در دهه‌های اخیر این رویکرد در مباحث کلامی را می‌توان در آثار آیت‌الله محمدرضا جعفری (۱۳۸۹) و برخی محققان معاصر دید.

۵-۲-۱. توجه به پرسش‌های جدید و مسائل نوپدید

آشنایی با اوضاع و جریان‌های زمان و شناخت عوامل فکری و فرهنگی در اجتماع، امکان پیش‌بینی و مقابله با حوادث ناگوار را بهتر در اختیار افراد مسئول قرار داده و امکان بهره‌برداری از فرصت‌های مساعد پیش‌آمده را بیشتر به وجود می‌آورد. مفهوم مخالف حدیث «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا يَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»، «الْجَاهِلُ بِزَمَانِهِ يَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ» است. آن‌که نمی‌داند در جهانی که زندگی می‌کند چه می‌گذرد؟ چه عواملی در صدد ساختن جامعه هستند؟ چه بذرهایی در زمان حاضر پاشیده می‌شود تا در آینده سر برآورد؟ و یا روزگار آستن چه حوادثی است؟ هرگز نمی‌تواند به مقابله با نیروهای مهاجم برخیزد و یا از فرصت‌های طلایی زودگذر اغتنام جوید. بدیهی است که توجه و بی‌توجهی فشری که مسئولیت هدایت، رهبری، رعایت و پاسداری جامعه خود را دارند، از نظر آگاهی به اوضاع، اهمیت فوق‌العاده بیشتری دارد (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸۰). ضرورت ارائه روزآمد مباحث معلول عوامل مختلفی از جمله توجه به شبهات مخالفان و پرسش‌های نوپدید است. به گفته شیخ طوسی (۴۶۰ق) این مهم متکلمان را و می‌دارد تا با ترتیب و تبیین جدید و چینش نو و به‌کارگیری راه‌ها و روش‌های مناسب، مباحث و مسایلی که در گذشته مطرح نبوده و اکنون طرح آن‌ها ضرورت یافته است را با استناد و اتکا به همان اصول و منابع قدیمی و مستخرج و مستنبط از آن‌ها (شیخ طوسی، ۱۴۰۶ق: ۳۲) مطرح کنند.^۱ این مهم با وجود فراز و فرود همیشه تاریخ مورد توجه متکلمان مسلمان و شیعی بوده است؛ اما

۱. «قد تجدد من شبهات القوم ما يحتاج معها الی ترتیبات اخر و الی حل ما استدرکوه علی متقدمهم من تهذیب الطرق مع زیادات آوردوها بنا (شیخ طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۶۱). از بیان شیخ استفاده می‌شود که «جدید» در اصطلاح امروزی «کلام جدید» نه صفت علم کلام بلکه صفت شبهات و مسائل است.

امروزه بر اثر رشد و گسترش فضای باز اطلاع‌رسانی و تلاش مخالفان دینی و مذهبی باید بیش از پیش مورد توجه باشد. بر همین اساس، شهید مرتضی مطهری مهم‌ترین وظایف فعلی حوزه‌های علمیه را توجه به مسائل جدید و نوپیدا می‌داند و برای تحقق آن، عنوان «کلام جدید» را ارائه داده است. علم کلام از قدیم عهده‌دار دو وظیفه بوده است: یکی دفاع و ردّ شبهات و ایرادات به اصول و فروع اسلام و دیگری بیان يك سلسله تأییدات برای آن‌ها که در گذشته مورد توجه دانش کلام بوده است؛ اما پیدایش شبهاتی در عصر کنونی که در قدیم نبوده و تأییداتی که از مختصات پیشرفت‌های علمی جدید است، موجب شد تا امروز بسیاری از شبهات قدیم بدون موضوع باشند و بسیاری از تأییدات گذشته ناکارآمد و حتی فاقد ارزش به شمار بیایند؛ از این رو، لازم است که کلام جدیدی تأسیس شود تا در آن، مسائل کلامی به‌ویژه مباحث فلسفه دین، مانند علل پیدایش دین از نظر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، مسئله فطرت دینی و بحث عمیق انسانی درباره فطرت و فطریات، آینده دین و مذهب، مهدویت در اسلام، مسائل نبوت مانند وحی و الهام از نظر علوم روانی جدید، بررسی مجدد ادله توحید با توجه به ایرادات و شبهات مادّی‌گرایان جدید بر براهین توحید از جمله برهان نظم، حدوث و وجوب و امکان و صفات خداوند از جمله عدل و حکمت الهی، مسائل امامت و رهبری از جنبه اجتماعی و در ارتباط با مدیریت و رهبری و مسائل مربوط به جنبه معنوی امامت و انسان کامل در هر زمان، فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه تاریخ، فلسفه اخلاق، فلسفه اقتصاد و فلسفه اجتماع مورد بحث و بررسی قرار گیرد (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸۴-۲۸۵).

۲. حوزه روش

روش، راه دست‌یابی به تولید گزاره‌های یک دانش و یا معرفت به آن‌ها برای رسیدن به غایت و هدف مشخصی است. بر همین اساس، روش‌شناسی هر دانشی بخش جدایی‌ناپذیر آن خواهد بود.^۱ با توجه به تعدّد اهداف و تنوّع غایات دانش کلام، روش‌های متکثّری در مقام تبیین، توصیف و استنباط و یا دفاع و مناظره بیش‌بینی شده است؛ اما این دانش در بخش‌هایی از

۱. خوشبختانه در سال‌های اخیر حداقل سه اثر درباره روش‌شناسی علم کلام به قلم آیت‌الله علی ربانی گلپایگانی، استاد رضابرنجکار و مهدی نصرتیان آهور به ظهور و بروز رسیده است و مقالات، پایان‌نامه و رساله‌های متعددی درباره روش‌شناسی متکلمان، مدارس و ... تدوین شده است.

روش‌شناسی خود از جمله روش تاریخی، تجربی و سلوک تقوایی (رک: ربّانی گلپایگانی، ۱۳۹۹: ۶۳-۱۵۵) دچار ضعف و نقص است.

۲-۱. آسیب‌ها

۲-۱-۱. دور شدن از متون و نصوص دینی

هر چند کلام شیعی با گذشت زمان بیش از پیش تسلیم نصوص قرآن و سنت شده است و متکلمان با استناد بیشتر به نصوص، محوریت آن‌ها را در آثار خود جلوه‌گر کرده‌اند، اما در مقاطع زمانی و برخی مدارس کلامی، استناد و استفاده از قواعد و مبانی فلسفی و حتی عقلانی - غیرفلسفی - صیغه جدلی کلام را پررنگ‌تر کرده و استناد به نصوص و استفاده از آن را به حاشیه برده است. این امر با وجود امتیازات، موجب محروم شدن از زوایای مختلف مباحث کلامی نهفته در نصوص دینی به‌ویژه قرآن کریم شد، البته استناد صرف به نصوص با عدم لحاظ مبانی و قواعد عقلی - که گاه خود الهام‌یافته از نصوص دینی هستند - و حتی مخالفت با به‌کارگیری آن مبانی و قواعد در مباحث معرفتی، خود عامل دیگری در ضعف رشد جایگاه علم کلام است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲۶، ۳۱۴-۳۱۵).

۲-۱-۲. کم‌توجهی به تاریخ علم کلام (رویکرد تاریخی)

امروزه درکنار رویکردهای متعارف در دانش کلام مانند نقل‌گرای، عقل‌گرایی، فلسفی و عرفانی، رویکرد دیگری در درجه کم‌تر و پایین‌تر با عنوان رویکرد تاریخی مطرح شده است که در مواردی در تقابل با دیگر رویکردها و بیشتر مورد توجه چهره‌های روشنفکر جامعه است؛ بنابراین پرداختن به آن و بهره‌گیری از کارکردهای مثبت و نقد و بررسی آسیب‌ها و کاستی‌های آن برای اصحاب علم کلام ضروری است. بدیهی است که دقت، تعمق و تأمل در دلایل کلامی و فلسفی آموزه‌های عقیدتی نباید موجب غفلت و یا کم‌توجهی به دلایل تاریخی آن آموزه‌ها باشد؛ همان‌گونه که اکتفا به نگاه تاریخی و بررسی صرف دلایل تاریخی چه بسا موجب انحراف در نتیجه باشد،^۱ اکتفا به دلایل کلامی و فلسفی نیز ممکن است در مواردی مخاطب را با مشکل مواجه نماید.

۱. امروزه برخی معاصران بین دلایل فلسفی و کلامی و دلایل تاریخی در اثبات اوصاف پیامبر و امام تفکیک کرده و راه اثبات آن صفات و حدود آنها را فقط از راه دلایل تاریخی ممکن می‌شمارند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۷/۱۲/۴).

۲-۲. بایسته‌ها

یکی از بایسته‌های دانش کلام، توجه بیش از پیش به روش‌شناسی آن است. روش‌های دانش فقه که فقط عهده‌دار استنباط است، به تفصیل و به طور مستمر در اصول فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ در حالی که دانش کلام که علاوه بر استنباط، وظیفه مهم دفاع را نیز برعهده دارد، بیشتر نیازمند روش‌شناسی مستقل و خاص است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، در پی تشخیص و تأمین این ضرورت، پژوهش‌های مستقل در حیطه دانش کلام و مدارس، شخصیت‌ها و آثار کلامی انجام گرفته و در دسترس است.

۱-۲-۲. گسترش کلام نص محور

کلام اسلامی مولود تفکر اسلامی و برگرفته از منبع قرآن و سنت است؛ هر چند به مرور با توجه به ظروف و شرایط زمانی و مکانی از عوامل بیرونی نیز متأثر شده و چه بسا تحت تأثیر آن‌ها رشد و گسترش هم داشته است (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۳۴). به همین جهت، با مرور زمان عقل و استدلال عقلی بیشتر یار و مددکار آن بوده است. شاید همین عوامل و شرایط سبب شد تا در مقاطعی کلام شیعی نیز مانند کلام معتزلی، البته در درجه‌ای پایین‌تر و به اعتدال نزدیک‌تر، بیشتر عقلی شده و صبغه نقلی آن کم‌رنگ‌تر شده است؛ اما امروزه همگان بر این اتفاق دارند که باید کلام بیش از پیش در مقابل نصوص سر تسلیم فرود آورده و با عرضه مباحث و مسائل آن به قرآن و سنت با روش تلفیقی از عقل و نقل به تعبیر دیگر عقل‌گرایی غیرفلسفی (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۵-۱۶۰)^۱ و کلام استدلالی به تبیین و بررسی آن پردازد (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۲۶؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۲۷؛ مظفری، ۱۳۸۶: ۴۳۸). روشی که ریشه‌ها و نشانه‌های آن را از عصر حضور می‌توان یافت و به دست شیخ مفید نهادینه شده و امروز آیت‌الله جعفر سبحانی از نمایندگان شاخص آن است.

۲-۲-۲. نشان دادن ابعاد کارکردی علم کلام

این گمان که دانش احکام و فقه کارآمد است و کاربرد دارد، اما علم کلام غیرکاربردی است،

۱. تأکید نگارنده بر کلام «نص محور» است نه کلام نص‌گرا و نقلی - که با وجود خدمات و حسناتش شاید امروزه در مواردی نتوان با اکتفا به آن شبهات مخالفان را فهمید و برای آنها پاسخی جامع و درخور فراهم کرد - و نه کلام نص‌بند که در بین متفکران و متکلمان شیعی هیچ‌گاه وجود نداشته است.

سخن ناصوابی است. تمامی دانش‌های دینی کارآمد و نافع هستند. بدیهی است که باور به آموزه‌های اعتقادی از جمله مهم‌ترین آن‌ها یعنی توحید در ابعاد مختلف حیات بشری کارگشا و راه‌گشا است. توحید وقتی درست تفسیر و فهم شد، به حالات مختلف زندگی انسان جهت می‌دهد و جهت‌گیری نادرست او را اصلاح می‌کند. فهم و تفسیر درست از نبوت، بعثت و اهداف رسالت انبیا، جامعه را به سوی سازندگی، اجرای عدل و قسط رهنمون می‌شود. ارائه معنای صحیح از امامت و رهبری، زمینه‌ساز تشکیل حکومت صالحان و مدیریت افراد شایسته برای نیل بشریت به کمال معنوی و الهی است. انسان در سایه‌سار چنین اجتماع، حکومت و فضایی می‌تواند به کمال مطلوب بشری نایل آید. اگر در گذشته توقع مخاطب بیشتر بر روی دفاع از دین و اسکات خصم بود، اما امروزه توقع دارد تا دین برای زندگی و تأمین نیازهای او تبیین شود. انجام این مهم جزو مهم‌ترین اهداف علم کلام و اصلی‌ترین وظایف و رسالت‌های متکلمان است که در عصر حضور و مقاطع دیگری به خوبی انجام گرفته بود و در دوران معاصر جلوه‌ای از آن در آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای قابل رصد و مشاهده است. برای تأمین آن فضیلتی جوان‌تر پیشنهاد «الهیات فرهنگی» (قائمی نیا، ۱۳۹۷/۱۰/۲۴)، «کلام کاربردی» (رک: محمدی، ۱۳۹۴؛ سبحانی، ۱۴۰۰/۱۰/۱۸) و «الهیات اجتماعی» (رک: تقی‌زاده داوری، ۱۳۹۹) داده‌اند. ضمن تحسین و تقدیر از دغدغه و تلاش آنان، در مرحله اول با شناخت کاستی‌ها و آسیب‌ها و عنایت به انجام بایستگی‌های کلام موجود می‌توان خلأ را پر کرد و کلام موجود را به کلام مطلوب تبدیل نمود.

۳. حوزه متن

از جمله مواردی که در برنامه‌ریزی‌های مراکز آموزشی بزرگ، به‌طور دائم در حال تحوّل است، نظام درسی و متون درسی است. باید به‌طور دائم عیب آن‌ها را پیدا کرد و نقص‌های آن‌ها را برطرف کرد. ترتّب علمی آن‌ها را به درستی رعایت کرد و با استفاده از هیئت‌های تخصصی و روش‌های نو و بهره‌گیری از خصوصیات لازم برای آموزش و پرورش، توجه به مطالب و شبهات جدید، در مقام تبیین و تطبیق با دیدگاه‌های رقیب، کتاب بی‌عیب در اختیار دانش‌پژوهان گذاشت (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۱-۳. کاستی‌ها

بازبینی نکردن کتاب‌های گذشته، رعایت و ملاحظه شخصیت‌های محترم که کتاب آن‌ها

متن درسی قرار گرفته است، بهره نگرستن از روش‌های جدید در تکنولوژی آموزشی، ورود در مسائل اصلی بدون روشنگری در طرح مباحث مفید و راه‌گشا برای تقویت انگیزه و ترغیب دانش‌پژوهان، فردی بودن متون و رعایت نکردن زبان معیار و موارد دیگری را می‌توان در شمار کاستی‌های متون آموزشی و پژوهشی این دانش دانست.

۳-۲. بایسته‌ها

۳-۲-۱. نگارش آثار مناسب با زبان دنیای امروز

ضرورت انتقال محصولات فکری و آثار تحقیقی به مخاطب در جهان معاصر اقتضا می‌کند تا این آثار با زبان متفاهم عرف امروزی عرضه شود. با توجه به این‌که زبان علمی حوزه‌های علمیه، عربی است، باید متون پژوهشی و آموزشی از عبارات صحیح و خوب، متین، قرص و محکم برخوردار باشد تا بتواند در همه مجامع علمی اسلامی مورد استقبال و استفاده قرار بگیرد و به‌عنوان یک اثر برجسته و ممتاز شناخته شود. این امر را می‌توان با تربیت نیروهای توانمند و کارآمد برخوردار از زبان معیار و مقبول در دنیای امروز و استفاده از محققان و عالمان دو مدرسه نجف و جبل‌عامل «لبنان» تأمین کرد.^۱ نمونه این اقدام بایسته در آثار شخصیت‌هایی چون محمدجواد بلاغی، محمدحسین کاشف‌الغطاء، سیدعبدالحسین شرف‌الدین، سیدمحمدباقر صدر و آیت‌الله جعفر سبحانی قابل مشاهده است.^۲

۳-۲-۲. تقدم درک و فهم مطلب بر عبارت‌پردازی

امروزه مغلط‌نویسی هنر نیست. این‌که به عمد و غیرعمد عبارت مغلط بشود تا طلبه بخش زیادی از وقتش صرف این کار بشود، نه هنر است، نه لطفی دارد و نه خیری در آن نهفته است. عبارت باید به‌گونه‌ای بیان شود تا کسی که استعداد فهمیدن دارد، مطلب را بفهمد. استاد هم در بیان و تبیین مطلب دچار مشکل در عبارت نشود و هم تلاش خود را صرف بیان مطالب علمی بکند. بایستی کاری کرد که هم طلبه، فهمیدن مطلب باشد، نه فهمیدن عبارت (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۹/۸).

۱. به همین جهت و جهات دیگر، نگارنده معتقد به تقویت همه‌جانبه دو مدرسه نجف و لبنان است.

۲. برای آگاهی از مجالس علمی معظم‌له در مراکز علمی جهان اسلام رک: سبحانی، ۱۳۸۳؛ سبحانی، ۱۳۷۹؛ سبحانی، ۱۳۷۸.

۳-۲-۳. ترتب علمی متون

تفاوت سطح علمی دانش پژوه از مبتدی تا عالی و رعایت سطح علمی مخاطب عام غیرآموزشی اقتضا می‌کند تا ترتب علمی مباحث رعایت شده و متون درسی و پژوهشی مناسب عرضه شود. ابتدا باید یک دور کامل معارف اعتقادی با استناد به منابع اصیل دین، یعنی قرآن و سنت با بهره‌مندی از روش‌شناسی لازم عرضه شود؛ سپس در مراحل بعدی، مهارت‌های تخصصی و گرایشی در اختیار قرار گیرد.

۴-۲-۳. بیان مقدمات

قبل از ورود به بحث اصلی باید مسائل کلان و لازمی که می‌تواند دانش پژوه و حتی مخاطب غیرآموزشی را بهتر و بیشتر با دانش کلام و مباحث مرتبط با آن آشنا کند، مانند بحث از موضوع، تاریخچه، روش، اهداف و غایات به‌خوبی و با رعایت سطح علمی مخاطب تبیین شود.

۴. حوزه اجتماع

۴-۱. آسیب‌ها

۴-۱-۱. ورود افراد غیرمتخصص

کثرت و تنوع مخاطب در پی افزایش جمعیت و ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های عمومی، تصویب درس عقاید در واحدهای دانشگاهی و حوزوی، ضرورت پرداختن به مباحث اعتقادی برای تقویت بنیه دینی آحاد جامعه و پاسخ‌گویی به شبهات فراگیر در فضای مجازی، از یک طرف و کمبود افراد متخصص از طرف دیگر، موجب ورود افراد فاقد تحصیلات و آموزش‌های لازم درباره مسائل اعتقادی در سطوح مختلف مانند درس دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، حوزه نوشتاری (کتاب‌ها و مقالات) و رسانه‌های عمومی از جمله صدا و سیما، منابر، سخنرانی‌ها، هیئت مذهبی و شبکه‌های مجازی در این عرصه شده است. این مشکل متأسفانه آسیب‌های دیگر از جمله معرفی چندگانه از اسلام و تشیع و گاه تناقض‌گویی و در نتیجه تکذیب یکدیگر و مهم‌تر از همه، انحراف عامه به‌ویژه جوانان را در پی دارد.

۴-۱-۲. نبود تعامل و تبادل نظر علمی و عملی

نبود تعامل و تبادل نظر علمی و عملی با پیروان دیگر مذاهب اسلامی (رک: مصباح یزدی،

۱۳۷۶: ۱۲۲-۱۲۳) وابسته شدن تعاملات فکری و فرهنگی به مواضع سیاسی سیاست‌مداران و حاکمان کشورهای اسلامی، سیاست استعماری غرب و به‌ویژه آمریکا در افتراق و جدایی بین مسلمانان با عناوین مختلف موجب شده است تا پیروان مذاهب اسلامی که در گذشته - فراتر از سیاست‌های رسمی دولت‌ها- به تبادل و تعامل می‌پرداختند، امروزه تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم برکشورها از این مزیت محروم شوند. نمونه آن را می‌توان در نبود تعامل عالمان شیعی مدرسه قم و عالمان اهل سنت مصر در الازهر دید. آیت‌الله جعفر سبحانی ارتباط حسنه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی به‌ویژه مصر را به دلیل وجود منابع و مراکز علمی ضروری می‌داند (سبحانی، خبرگزاری ایسنا، ۲۱ مهر ۱۳۹۶).

۳-۱-۴. فقدان هم‌زبانی لازم با دنیا

فارسی بودن زبان رسمی حوزه علمیه قم، نگارش بیشتر آثار کلامی و فلسفی به این زبان، فقدان توانایی لازم مؤلفان و محققان حوزه دین‌پژوهی حتی در حوزه قم با نگارش زبان معیار و رایج دردنیای معاصر به‌ویژه درتخاطب با جهان اهل سنت و حتی شیعیان عرب‌زبان^۱ و ادبیات نامتوازن برخی نویسندگان وگویندگان حوزوی در مباحث و مسائل عقیدتی از جمله عوامل فقدان هم‌زبانی با دنیای امروز به‌ویژه در جهان اهل سنت است؛ درحالی‌که مدارس کلامی شیعی قبل از صفویه و امروزه نجف و جیل عامل کم‌تر از این آسیب رنج می‌برند.^۲

۴-۱-۴. تأثیرپذیری از فضای فرهنگی و اجتماعی

گاه فضای حاکم بر اجتماع هر چند در حدّ عوام می‌تواند مباحث اصیل کلامی و اعتقادی را با آسیب جدی مواجه کند؛ چنانکه ممکن است اشتها و نفوذ عقیده‌ای ناخالص در بین عوام و در مواردی طبقاتی از خواص موجب شود تا متکلمان و عالمان نتوانند به درستی به تبیین و بررسی آن پردازند. به‌عنوان نمونه، می‌توان از شهادت ثالثه در فصول اذان و اقامه، جلوه‌ها و رگه‌های از غلو، برخی مسائل حاشیه‌ای مربوط به مهدویت، انتظار و ظهور اشاره کرد. سلطه و

۱. این کاستی را حتی می‌توان در کتابخانه‌های شیعیان عراق هم دید. در مراجعه‌ای که به کتابخانه عتبه حسینی علیه السلام داشتم قفسه‌های آن را از بسیاری از تحقیقات مفید محققان امروزی در حوزه فقه، اصول و عقاید خالی دیدم. مدیر محترم کتابخانه ضمن اذعان به این کاستی، آن را معلول تفاوت زبانی مخاطب و کتاب دانستند.

۲. اتهامات بی‌اساس و ناوارد برخی مخالفان به تشیع ایرانیان و نقش صفویه در آن نیز در عدم تفاهم بی‌تأثیر نیست؛ به عنوان نمونه رک: امین، ۲۰۰۹م: ۱۹۲-۱۹۵؛ قفاری، ۱۴۳۸ق: ۳۳-۳۸.

غلبه تفکری ناصواب و ناخالص در بین عوام، گاه موجب محدودیت تأثیرگذاری نقد متفکران و متکلمان می‌شود؛ چنانکه فضای غالب تفکر مداح‌محور برخی هیئت‌های مذهبی به‌ویژه در تهران و قم موجب شد تا فریادهای به حق عالمان مرزبان و دغدغه‌مند در سطح مرجعیت فکری و فقهی نیز خیلی کارساز نشود.

گاهی فضای فرهنگی حاکم بر یک مدرسه و حوزه علمی نیز می‌تواند در کاهش جایگاه و تنزل مقام علم کلام مؤثر باشد؛ چنانکه فضای فقه‌محور حوزه نجف مانع از پذیرش طرح تحول فضایی به نام آن حوزه شد و یا موجب تعطیلی درس تفسیر آیت‌الله خویی گشت و امروز در قم هم بسیار به ندرت متکلمی را می‌توان یافت که بر اساس ضرورت و نیاز فقط هم خود را صرف دانش کلام و آموزه‌های اعتقادی نماید و چه‌بسا متکلمان نامدار در کنار عنایت به علم کلام به راه‌اندازی مدرسه و مؤسسه فقهی نیز پرداخته‌اند.

۵-۱-۴. کم‌توجهی به آثار حیات اجتماعی مردم

طرح مناقشات و مجادلات کلامی صرف، استناد به قواعد و مبانی خشک عقلی و فلسفی موجب شد تا در مقاطعی کلام و اعتقادات بیشتر جنبه نظری و جدلی پیدا کرده و از واقعیت حیات اجتماعی مردم فاصله بگیرد امتیازی که کلام عصر اهل‌بیت علیهم‌السلام و برخی مدارس بعدی از آن برخوردار بودند؛ اما حداقل در دو مقطع زمانی مانند مدرسه شیراز و مقاطعی از مدرسه اصفهان و امروزه به صورت موردی در قم قابل مشاهده است؛ هر چند در دوره معاصر توسط شخصیت‌های چون علامه طباطبایی در توجه به ابعاد اجتماعی اسلام (رک: طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۸-۱۴۳؛ طباطبایی، بی‌تا، ۳: ۹۲-۱۳۵ ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران) و بیشتر از ایشان، شهید مرتضی مطهری با مقدمه‌ای بر جهان‌بینی و *خدا در زندگی انسان* (مطهری، ۱۳۹۴، ۲: ۲۸۳-۳۸۰) به اصلاح گراییده است؛ اما ضرورت اجتناب‌ناپذیر امتداد مبانی دین‌شناسی و جهان‌بینی توحیدی در ابعاد مختلف حیات بشری از یک طرف و توفیق نیافتن دانش کلام در تأمین این هدف در پی عوامل متعدد سیاسی، اجرایی و فرهنگی از طرف دیگر موجب شده است تا علم کلام به عنوان دانشی کارآمد تعریف و توصیف نشود.

۲-۴. بایسته‌ها

۱-۲-۴. برخورد فعال: ائمه

با حضور فعال در مراکز حساس مانند مسجد نبوی، ایام حج، آمدوشد به دربار خلفا، حضور

در مجالس و محافل، باز بودن درب منزل برای همگان، زمینه‌طرح پرسش‌های متنوع از مخاطبان مختلف، ارائه پاسخ‌های فراخور و مناسب با لحاظ فهم و درک مخاطب، تربیت شاگرد در سطوح مختلف و رشته‌های متعدد موجبات رشد و پویایی کلام اسلامی را فراهم آوردند. این ویژگی در بین صحابه ائمه و بعداً عالمان شیعی نیز پررنگ بود.^۱

مناظره‌های جدی و تأثیرگذار شفاهی و کتبی به طور پی‌درپی و متعدد و نقد و رد دیدگاه رقیب توسط متکلمان هم‌چون هشام بن حکم، مؤمن الطاق، فضل بن شاذان، ابن‌قبة، شیخ مفید، سیدمرتضی، علامه حلّی و میرحامد حسین هندی و در دوران معاصر، توسط سیدعبدالحسین شرف‌الدین، سیدمحسن امین، مرتضی مطهری، جعفر سبحانی و محمدتقی مصباح یزدی می‌توان دید.

امروزه نیز این امر باید به دور از افراط و تفریط، اجتناب از سیاسی‌کاری توسط شخصیت‌های علمی به‌ویژه در حوزه علمیه و به‌عنوان نظام حوزه به انجام برسد. متأسفانه گاهی برخورد جنجالی، سیاسی، آمرانه، فاقد پشتوانه علمی و به دور از اعتدال و گاهی نیز برخورد منفعلانه، مانع از تأثیرگذاری و ایفای نقش اثباتی کلام و متکلمان شیعی می‌شود. گاه متکلمان دغدغه‌مند و برخوردار از سلامت فکر و استقامت طریق در طرح مباحث و حتی عناوین به جای برخورد فعال و ابتدایی در طرح و بررسی مباحث و مسائل جدید در برخوردی منفعلانه منتظر طرح شبهه و بحث انحرافی از طرف جریان رقیب و معارض‌اند؛ هر چند متکلمان نامدار و صاحب‌نظر در پاسخ به آن شبهات و انحرافات به طرح مباحث عمیق و قوی می‌پردازند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۴۰-۵۴۲).

۲-۲-۴. تبیین جایگاه تخصصی

با وجود عنایات قرآن کریم و اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه اهل‌بیت علیهم السلام و صحابه در تبیین معارف و آموزه‌های اعتقادی در مراحل و سطوح مختلف و تلاش متکلمان نامدار در تبیین، تدوین و تنظیم آن، بعدها در پی عواملی که طرح آن بحث مستقلاً می‌طلبد، مباحث کلامی در حوزه‌های علمی دچار ضعف و افول شد و نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شد. امروز با وجود تلاش‌های فراوان و قابل‌توجه متکلمان و فضای به وجود آمده، به‌ویژه در پرتو انقلاب اسلامی، اما هنوز جایگاه و منزلت خود را آن‌چنان‌که باید نیافته است. امروز طرح مباحث معرفتی و

عقیدتی در سطح حوزه‌های علمیه و همچنین عموم جامعه تنزل کرده است. در حوزه علمیه تعداد دروس علم کلام نه فقط از فقه و اصول- که دانش محوری در حوزه است-، بلکه از فلسفه و عرفان- که گاه مورد مناقشه جدی رویکردهای مختلف حوزویان است- نیز بسیار کم‌تر است. جنبی بودن کلام و عقاید در مدارس و حوزه‌های دینی و عمومی بودن آن در دانشگاه‌ها موجب شده است تا طلاب و دانشجویان یا در درس استاد حاضر نشوند و یا با حضور نامرتب و استفاده از جزوه و شرح فارسی- حتی استفاده نکردن از نوار درسی- آن دروس را در حدّ قبولی امتحان کتبی بگذرانند (پاس کنند نه این‌که بخوانند!) تدوین و نگارش آثار و تألیفات اعتقادی نسبت به دانش‌های دیگر نیز کم‌تر و کم‌رنگ‌تر است. ارائه مباحث کلامی و اعتقادی در سطح عامه مردم ناچیز به چشم می‌خورد. منبرهای اعتقادی اگر هست گاه به‌گونه‌ای ضعیف و بدون رعایت ضابطه علمی است.

نتیجه‌گیری

کلام شیعه با وجود فراز و فرودها سیر تطوّر خود را گذرانده است و با طی مراحل و ادوار مختلف و متنوعی در قرن اخیر وارد دوره اصلاح و پویایی شده است. فضای فکری و فرهنگی پیش‌آمده در آغاز قرن چهاردهم شمسی و مبارزات فکری و فرهنگی اندیشمندان و در پی آن، پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی زمینه‌های رشد و بالندگی بیش از پیش آن را فراهم آورد. از طرف دیگر، گسترش قلمرو مباحث، پیدایی موضوعات جدید و غایات تازه و روش‌های متنوع، تکثر و تنوع مخاطب و تغییر در توقع‌های او، وظیفه و رسالت دانش کلام و متکلمان را بسیار فراتر از گذشته کرده است. این مهم اقتضای شناخت بیشتر آسیب‌ها و رفع کاستی‌ها و ضرورت توجه علمی و عملی به بایسته‌ها را دوچندان می‌کند که امید است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد تا بتوان هر چه زودتر و بهتر از کلام موجود به کلام مطلوب رسید.

منابع

۱. امین، احمد، (۲۰۰۹م)، فجرالاسلام، قاهره، دارالشروق.
۲. برنجکار، رضا و نصرتیان اهور، مهدی، (۱۳۹۶)، قواعد کلامی توحید، قم، پژوهشگاه قرآن و حدیث.
۳. _____، (۱۳۹۸)، قاعده حسن و قبح عقلی، قم، پژوهشگاه قرآن و حدیث.
۴. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، (۱۴۲۲ق)، شرح المقاصد، ۵ جلدی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۵. تقی‌زاده داوری، محمود، (۱۳۹۹)، *درآمدی بر الهیات اجتماع*، قم، انتشارات مؤسسه شیعه‌شناسی.
۶. جبرئیلی، محمدصفر، (۱۳۸۴)، «کلام اسلامی، عوامل و زمینه‌های پیدایی»، *قبسات*، ش ۳۸، ص ۲۰۹-۲۳۴.
۷. _____، (۱۳۹۳)، *سیر تطوّر کلام شیعه از عصر غیبت تا خواجه نصیر طوسی*، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، *دین‌شناسی*، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. _____، (۱۳۹۴)، «نقش تفکر عقلی و فلسفی در زندگی»، *خبرنامه مجمع عالی حکمت اسلامی*، فروردین و اردیبهشت، ش ۳۶.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۰)، *حوزه و روحانیت در نگاه رهبری (بیانات مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸)*، چاپ دوم، قم، شورای عالی حوزه‌های علمیه.
۱۱. _____، (۱۳۷۹/۷/۱۴)، *بیانات در جمع استادان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم*، مدرسه فیضیه.
۱۲. _____، (۱۳۸۶/۹/۸)، *بیانات در دیدار جمعی از استادان مبلغان و پژوهشگران حوزه علمیه کشور*.
۱۳. دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، (۱۳۹۰)، *پگاه حوزه*، ۷ آبان، ویژه‌بازشناسی دانش کلام در حوزه.
۱۴. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۴۱۸ق)، *القواعد الکلامیة*، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۱۵. _____، (۱۳۹۰)، «جامع‌نگری در روش‌شناسی علم کلام»، *مجله کلام اسلامی*، ش ۷۷، ص ۱۵-۳۸.
۱۶. _____، (۱۳۹۹)، *روش‌شناسی علم کلام*، قم، راند.
۱۷. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۴)، *تفسیر منشور جاوید*، چاپ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۸. _____، (۱۳۷۹)، *سفر وحدت در سرزمین‌های ترکیه و اردن*، چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۹. سبحانی، علیرضا، (۱۳۸۳)، *برکرانه جبل الطارق (شرح سفرآیت الله سبحانی به کشور مغرب)*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
۲۰. _____، (۱۳۷۸)، *در سرزمین خاطرها (گزارشی از سفرآیت الله به اردن هاشمی)*، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۱. سبحانی، محمدتقی، (۱۴۰۰)، *نهمین پیش‌نشست کنفرانس بین‌المللی الهیات عملی*، ۱۸/۱۰/۱۴۰۰.
۲۲. سیدان، سیدجعفر، (۱۳۹۲)، *معارف و حیاتی (دفتر اول و دوم)*، قم، دلیل ما.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (بی‌تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.

۲۴. _____ (۱۳۸۷)، روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، قم، بوستان کتاب.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۶ق)، الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء.
۲۶. _____ (۱۳۸۲)، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، چاپ چهارم، تحقیق و مقدمه: حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۷. _____ (۱۳۸۲)، تلخیص الشافی، مقدمه و تعلیق: سیدحسین بحرالعلوم، قم، مؤسسه انتشارات المحبین.
۲۸. _____ (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۹۷)، «طرح بحث در گروه علمی کلام»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷/۱۰/۲۴.
۳۰. قفاری، ناصر بن عبدالله، (۱۴۳۸ق)، الشیعه، المذهب والواقع، ریاض، مکتب مجله البیان.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مجتهد شبستری محمد، (۱۳۸۷)، انتظار ما از پیامبران، سخنرانی در دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷/۱۲/۴.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۳)، حق الیقین، چاپ پنجم، قم، سرور.
۳۴. محمدی، مسلم، (۱۳۹۴)، «کلام کاربردی، ضرورت و هویت»، تحقیقات کلامی، ش ۸، بهار.
۳۵. مددی، سیداحمد، (۱۳۹۳)، نگاهی به دریا (مقالات و مباحثی در تراجم، کتاب شناسی، رجال، حدیث، تاریخ، فقه و اصول)، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
۳۶. مرکز مدیریت حوزه های علمیه، (۱۳۹۴)، افق حوزه، تیر، ش ۴۲۲.
۳۷. _____ (۱۳۹۴)، افق حوزه، خرداد، ش ۴۱۸.
۳۸. _____ (۱۳۹۵)، افق حوزه، فروردین، سال ۱۴، ش ۴۵۶، ۱۸.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، مباحثی درباره حوزه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۴۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، مجموعه آثار (جلد دوم از بخش فقه و حقوق)، ج ۲۰، قم، صدرا.
۴۱. _____ (۱۳۸۵)، مجموعه آثار (پیرامون انقلاب اسلامی)، ج ۲۴، قم، صدرا.
۴۲. _____ (۱۳۹۴)، مجموعه آثار (جلد دوم از بخش متفرقه)، ج ۳۰، قم، صدرا.
۴۳. _____ (۱۳۷۶)، مجموعه آثار (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، ج ۶، چاپ پنجم، قم، صدرا.
۴۴. مظفری، حسین، (۱۳۸۶)، بنیان مرصوص: فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک، ۱۳۸۶، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۹۲)، تفسیر نمونه، چاپ چهل و چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. پایگاه اطلاع رسانی و نشر آثار آیت الله سیدعلی خامنه ای رحمته KHAMENEI.IR